

سبک تفسیری ابوالفتوح رازی و جایگاه حدیث در آن

کامران ایزدی مبارکه^۱

چکیده

ابوالفتوح رازی یکی از برجسته‌ترین واعظان منطقه ری در قرن ششم هجری است. این سمت موجب گردیده است، تفسیر او سبک واعظانه داشته باشد. از افتضانات چنین سبکی توجه ویژه به روایات تفسیری است. وی به بالغ بر دوهزار و هفده حدیث استناد کرده است. ابو الفتوح رازی از تفاسیر پیش از خود چون جامع البیان و تبیان اثر پذیرفته و بر تفاسیر پس از خود به‌ویژه تفاسیر فارسی چون جلاءالاذهان و منهج الصادقین تأثیر داشته است. تفسیر وی یک تفسیر جامع است. در سبک تفسیری او روایات کاربردهای متنوعی پیدا کرده است؛ نظیر: تبیین معنای واژگان قرآنی، تعیین مصداق برای مفاهیم عام قرآنی، حلّ مشکل و رفع ابهام بدوی از آیات، تخصیص مفاهیم عام آیات، تأکید بر معنای ظاهری آیات، تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام، بیان احکامی که در قرآن کریم تشریح نشده است، تعیین مکئی و مدنی، تعیین آیات ناسخ و منسوخ، بیان پاداش معنوی خواندن سوره‌ها، تناسب روایت با مفاد آیه، تأویل آیات متشابه، شأن نزول آیات و سوره.

وی با توجه به معاصرت صحابه یا نزول وحی به آرای اجتهادی صحابه و تابعین در تفسیر توجه ویژه ای داشته است. او چون قدمای امامیه خبر واحد را فاقد حجّیت می‌داند و از نقل روایات اسرائیلی در قصص قرآن به شدت انتقاد می‌کند.

کلید واژه ها: ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، روح الجنان و روح الجنان، روش‌های تفسیری، سبک‌های تفسیری، تفسیر و حدیث، خبر واحد، اسرائیلیات.

۱. استادیار تمام وقت گروه علوم قرآن و حدیث در دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)

۱. مقدمه و طرح مسأله

از دیدگاه محققان روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم، پس از آیات قرآن کریم، احادیث معصومان (ع) مهم‌ترین منبع تفسیر به شمار می‌آید. زرکشی در خصوص برترین روش تفسیر قرآن کریم می‌گوید: برترین روش تفسیر قرآن آن است که قرآن به قرآن تفسیر شود. به این نحو که آنچه به طور اجمال در موضعی بیان شده، در موضع دیگر به تفصیل مطرح گردیده و آنچه در جایی به اختصار گفته شده، به نحو مبسوط در جای دیگر ذکر شده است. اما اگر توانستی تفسیر آیه را در قرآن کریم بیابی بر تو لازم است که به سنت مراجعه کنی؛ زیرا سنت شارح قرآن و توضیح‌دهنده آن است. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «و ما أنزلنا عليك الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه و هدى و رحمة لقوم يؤمنون» (النحل/۶۴)؛ یعنی: «ما بر تو قرآن را نازل نساختم، مگر آن‌که آنچه را که ایشان در آن اختلاف نمودند، تبیین نمایی. این کتاب مایه هدایت و رحمت برای گروه با ایمان است». به همین دلیل رسول اکرم (ص) فرمود: «ألا إني أوتيت القرآن و مثله معه» یعنی: «آگاه باشید که به من قرآن و مانند آن داده شده است» و مراد از مثل قرآن سنت است (زرکشی، ۲/صص ۱۷۵ و ۱۷۶).

این‌که سنت به گفته زرکشی منبع تفسیر قرآن کریم است، ریشه در آیات قرآن کریم دارد و علاوه بر آیه مورد استناد وی، آیات دیگری نیز به صراحت بر همین امر دلالت دارد. خداوند متعال در قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را مبین و شارح قرآن معرفی کرده است: «و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم» یعنی: «و ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه که بر ایشان نازل شده است روشن سازی» (النحل/۴۴). بر این اساس، معاصران پیامبر اکرم (ص) احادیث آن حضرت را در شرح و توضیح آیات قرآن کریم یا طیب خاطر می‌پذیرفتند. پس از رحلت آن حضرت (ص) صحابه در مقام تفسیر قرآن کریم به احادیث نبوی استناد می‌نمودند (ذهبی، ۱/۳۷). مفسران در دوره‌های بعد، سنت را یکی از منابع اصلی علم تفسیر دانستند (نک: طوسی، ۱/صص ۶ و ۷ نیز؛ طبرسی، ۱/صص ۲۵ و ۲۶ نیز؛ ابن تیمیه، ص ۳۹).

ابوالفتوح رازی نیز به عنوان یکی از برجسته ترین مفسران امامیه در قرن ششم عنایت ویژه‌ای به روایات معصومان(ع) در تفسیر خود داشته است و به آن به عنوان منبعی اصیل در تفسیر قرآن نگریسته و از این منبع تفسیری بهره‌های فراوان برده است. کمیت روایات مورد استناد ابوالفتوح رازی شاهد گویای این ادعا است. وی در تفسیر خود به بالغ بر دو هزار و هفده حدیث استناد کرده است(حقوقی، ۲/۴۹۲) که می تواند جایگاه والای سنت و حدیث را در تفسیر ابوالفتوح رازی نشان دهد.

با توجه به این که تفسیر ابوالفتوح اولین تفسیر کامل قرآن کریم است که در حوزه تفسیر امامیه به سبک واعظانه نگاشته شده است(نک: ادامه مقاله)، این پرسش مطرح می شود که حدیث در این سبک تفسیری چه جایگاه و کارکردهایی دارد؟ پاسخ به این پرسش با توجه به اهمیت این سبک تفسیری و تأثیر این تفسیر بر تفاسیری چون جلاءالاذهان و منهج الصادقین از اهمیت بسزایی برخوردار است. علاوه بر آن که در بادی امر چنین سبکی، نوعی تسامح در کاربرد حدیث در تفسیر را تداعی می کند. پرسش مهم دیگر این است که آیا در سبک واعظانه این تفسیر چنین تسامعی به چشم می خورد؟ دیگر آن که با توجه به حجم چشمگیر اخبار آحاد تفسیری و تأثیر شگرف آن در تفسیر قرآن کریم، ابوالفتوح رازی در خصوص حجیت و اعتبار این روایات چه موضعی را اتخاذ کرده است و با توجه به این که وی خبر واحد را حجت نمی داند، استناد وی به این گونه اخبار چگونه قابل تبیین است؟ همچنین با عنایت به نقش قصص در این سبک تفسیری و حجم انبوه اسرئیلیات در این موضوع، این نوع روایات چه جایگاهی در این تفسیر دارد؟

۲. سبک تفسیر

حضور فرق مختلف اسلامی طی قرون پنجم و ششم در منطقه ری و بروز برخی مناظرات کلامی بین ایشان، به مجالس وعظ و خطابه که نقش دستگاه تبلیغاتی علیه فرقه‌های رقیب را ایفا می کرد، رونق خاصی بخشیده بود. ابوالفتوح رازی که از واعظان برجسته و مشهور زمان خود بود و

علاقه وافری به وعظ و خطابه داشت (منتجب‌الدین رازی، ص ۴۵)، اداره یکی از همین مجالس پر رونق را عهده دار بود. مجالس وعظ او از اوان جوانی بسیار مورد استقبال قرار داشت؛ به طوری که موفقیت او در این امر حسادت برخی را برانگیخت و با سعایت نزد والی شهر مدتی از وعظ محروم گردید؛ ولی یکی از همسایگان وی که اتفاقاً از پیروان اهل سنت و کارگزاران والی شهر بود، مشکل پدید آمده را رفع کرد و دیگر بار مجالس وعظ و خطابه وی دایر شد (افندی، ۱۶۱/۲). این امر نشانگر آن است که ابوالفتوح در بین عموم مردم خطه ری از جایگاه مقبولی برخوردار بوده است. رواج گسترده نسخه‌های تفسیر او در بین توده متدینان نیز مؤید این مدعاست؛ به گونه‌ای که صاحب «التقض» در وصف تفسیر وی می‌نویسد: نسخه‌های بی‌مر و بی‌عدد است. آن را در طوایف اسلام و ظاهر و باهر در بلاد عالم (رازی، ص ۲۱۲).

به طور معمول شیوه واعظان در مجالس پند و اندرز چنین است که پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه یا بیانی ساده به تبیین موضوعی مورد نیاز و در خور فهم عوام می‌پردازند و در انتهای سخن جهت عبرت و تبه شنوندگان به ذکر اشعار مناسب فارسی و عربی پرداخته، از استناد به آیات قرآن و احادیث معصومان (ع) و حکایات پند آموز بهره می‌برند. ابوالفتوح در تفسیر خود از همین سبک در نهایت مهارت و استادی پیروی کرده است. برای نمونه وی در تفسیر آیه «و تروکوا فان خیر الزاد التقوی» (البقره ۱۹۸)، به چند بیت شعر فارسی و عربی استناد می‌کند تا خواننده را در اعراض از دنیا تشویق کند. سپس حال پند آموز دو تن از مردان راه خدا را تشریح می‌کند تا میزان توکل سالکان راه حق را نشان دهد. این موضوع را به شیوه واعظی سخنور آن‌چنان زیبا و جذاب بیان می‌کند که خواننده را مدتی تحت تأثیر خود قرار داده، به تأمل و اندیشه فرو می‌برد (ابوالفتوح، ۳/صص ۱۱۲ - ۱۲۰).

از این رو ابوالفتوح در تفسیر خود توجه ویژه‌ای نیز به ذکر قصص دارد. این گرایش با توجه به جایگاه مهم قصص در وعظ و خطابه طبیعی می‌نماید. لذا تفسیرهای قصصی که در شیوه تفسیرنویسی فارسی گونه‌های برجسته‌ای چون ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی

دارد، تأثیر بسزایی بر این تفسیر نهاده است (نک: بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۱۳/۶). توجه او به کتاب های قصص غیر فارسی مانند عرائس ثعلبی نیشابوری و تفسیر او که صیغه قصه‌گویی دارد (حقوقی، ۱/صص ۳۱ و ۳۲)، مؤید دیگری بر واعظانه بودن سبک تفسیری ابوالفتوح است (همو ۱/۲۲۴).

ابوالفتوح رازی بخش قابل توجهی از تفسیر خود را به بیان احکام شرعی مورد نیاز مخاطبان خود اختصاص داده است (نک: یاحقی و ناصح، ص ۳۲۹ و نیز حقوقی، ۱/صص ۲۳۹-۲۵۰). پرداختن به مباحث کلامی همچون جبر و اختیار، قضا و قدر، شفاعت، ایمان و کفر، سؤال و جواب در قبر (نک: همو، ۱/صص ۲۳۵ و ۲۳۶)، احتمالاً برای رعایت حال و نیاز عموم مخاطبان فارسی زبان بوده است. افندی تفسیر ابوالفتوح را متمایل به تصوف و سبک تفسیری وی را واعظانه دانسته است (۱۵۸/۲). مفسر گاه در تفسیر آیات به مشرب صوفیان که ایشان را اهل معانی و اشارت می خوانند (نک: ابوالفتوح، ۲/صص ۱۱۷ و ۱۱۸)، نزدیک شده و میباحثی در مورد اخلاص، توکل، ذکر، صبر، فقر و صدق (حقوقی، ۱/صص ۱۳۶ - ۱۳۹)، مطابق حال عموم مخاطبان و نیاز اخلاقی و تربیتی ایشان آورده است (احمدی بیرجندی، ۱/۱۵). در عین حال تفسیر ابوالفتوح را نمی توان تفسیری به مشرب و مذاق عارفان و صوفیان تلقی کرد (حقوقی، ۱/۱۳۷)؛ زیرا این روش در همه آیات مشهود نیست؛ بلکه گاه به مناسبت اشاره‌ای عرفانی آورده است (حقی، ص ۱۲۱).

ابوالفتوح رازی در نثر فارسی خود از تعابیر عامیانه ای همچون سنب (سم) (۱/۲۸۰)، چفسان (چسبان) (۴/۳۴)، آتش تاغ (داغ) (۴/۱۶۰)، پیران (ویران) (۲/۱۲۱)، دختره (دخترک)، کالزار (کارزار) (۳/۳۷۳) و .. استفاده کرده است که ظاهراً گویای شفاهی بودن اصل برخی از بخش‌های تفسیر در قالب مجلس‌گویی است (بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۱۳/۶). کاربرد ادوات و ظروف عربی مانند «سواء، عند، انما» به جای معادل فارسی آنها (نک: حقوقی، ۱/صص ۷۴ - ۸۰)، نشانه دیگری از سبک واعظانه کلام ابوالفتوح رازی است.

صرف نظر از سبک، تفسیر ابوالفتوح رازی چنان‌که خود نیز بدان تصریح دارد (۳/صص ۱۱۴ و ۱۱۵)، تفسیری است جامع که دارای ابعاد مختلف ادبی، تاریخی، کلامی، فقهی، روایی و اخلاقی است. شاید بتوان این ویژگی را یکی از علل ماندگاری این تفسیر دانست. مفسر به پیروی از تفاسیر جامع پیش از خود در آغاز هر سوره نام‌ها، فضیلت قرائت آن، تعداد آیات و مکی و مدنی بودن آن را توضیح می‌دهد، هنگام ترجمه یا تفسیر آیه نکات ادبی آن را از قبیل لغت، صرف و نحو بیان می‌کند. گاه به اختلاف قرائات و اسباب النزول می‌پردازد و در هر زمینه از آرای مفسران و آثار صحابه و تابعین بهره می‌گیرد (معرفت، ۸۶۶/۲؛ نوری، ۱۵/صص ۵۹ و ۶۰)؛ لکن در تفکیک مباحث عنوان‌های مجزا وجود ندارد و مباحث یاد شده را بدون چینش خاص بیان کرده است (نک: علوی‌مهر، ص ۲۱۱).

این جامعیت ناشی از تبحر وی در دانش‌های متداول زمان خود چون نحو، قرائات، حدیث، فقه، اصول فقه و تاریخ بوده است که از هر یک به نحو شایسته‌ای در کلام الهی بهره برده است. تعابیر بلند اصحاب تراجم در باره او همچون «الامام السعید ترجمان کلام الله» (منتجب‌الدین، ص ۴۸، شماره ۷۸)، «الشیخ الاجل الاوحد الامام العالم الرئيس جمال الملة و الدین قطب الاسلام و المسلمین شرف الائمة فخر العلما مفتی الطائفة سلطان المفسرین ترجمان کلام الله المبین» (یاحقی و ناصح، ۶۰/۱)، مؤید این ادعا است (نیر نک: خوانساری، ۳۱۴/۲ و شوستری، ص ۲۱۱). بنا بر این سبک واعظانه تفسیر ابوالفتوح هرگز به معنای سطحی بودن مباحث آن نیست و جایگاه و کاربرد روایات تفسیری در آن به منزله تفسیری جامع و عمیق که توسط یکی از برجسته‌ترین مفسران امامیه در قرن ششم نگاشته شده است، باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۳. اثرپذیری و تأثیرگذاری

پیش از سید رضی (د. ۴۰۶ ق) و شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ق) مفسران امامیه بیشتر به تفسیر قرآن بر اساس روایات مأثور گرایش داشتند. سید رضی در «حقائق التأویل» و شیخ طوسی در «التبیان

فی تفسیر القرآن» در کنار مباحث ادبی و روایی از مباحث عقلی و کلامی نیز بهره بردند. شیخ طوسی در مقدمه تبیان روایی بودن تفاسیر سلف را به عنوان یکی از علل نگارش این تفسیر معرفی می‌کند (ص ۱). وی نخستین فقیه امامی بود که الخلاف را در فقه تطبیقی نگاشت. او از چنین روشی در تفسیر قرآن نیز سود جست و به طور گسترده آرای تفسیری صحابه و تابعین را طرح نموده، نقد و بررسی کرد و به‌ویژه در مباحث کلامی موضع مذهب امامیه را تبیین نمود. در قرن ششم ابوالفتوح رازی و طبرسی به پیروی از شیخ طوسی از علوم مختلف قرآنی و ادبی در کنار مباحث نقلی و روایی مدد گرفت و آرای تفسیری صحابه و تابعین را مورد توجه قرار دادند. این چنین بود که روش تفسیری مفسران امامیه از شکل کاملاً روایی خارج شد و رویکرد تطبیقی در آن نضج گرفت. برخی در اثرپذیری ابوالفتوح از شیخ طوسی به افراط رفته و ساختار و محتوای تفسیر ابوالفتوح را کاملاً شبیه تبیان دانسته‌اند (مکدرموت، ۱/۲۹۲)؛ حال آن‌که با اذعان به اثرپذیری ابوالفتوح از تبیان، در مقام مقایسه این دو تفسیر با یکدیگر نتیجه می‌شود که این شباهت نسبی است و اثرپذیری ابوالفتوح از تفاسیر فارسی پیش از خود چون ترجمه تفسیر طبری (د. ۳۱۰ ق، تاریخ ترجمه ۳۵۲ ق) و تفسیر سوراآبادی (ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سوراآبادی د. ۴۹۴ ق) نمایان تر است. بر خلاف برخی که اثرپذیری ابوالفتوح از طبری را انکار کرده‌اند (حقوقی، ۱/۲۱۰) باید گفت با توجه به شواهد متعدد این اثرپذیری قابل اثبات است. مشترکات در شواهد شعری، مباحث لغوی، نحوی (یا حقی، صص ۳۲۵، ۳۲۷-۳۲۹) و روایی (حقی، ص ۲۴۷) این اثرپذیری را اثبات می‌کند. به رغم اختلاف در مذهب فقهی، ابوالفتوح توجه خاصی به گزارش رأی فقهی طبری و نقد آن دارد (یا حقی، صص ۳۲۹-۳۳۱) و بالغ بر پنجاه مرتبه در تفسیر خود از طبری نام می‌برد (همو، ص ۳۲۲).

این اثرپذیری نباید موجب این توهم شود که ابوالفتوح در تفسیر خود از باورهای امامیه فاصله گرفته است. مدرس تبریزی در باره وی می‌نویسد: ابوالفتوح در تفسیرش به رد و نقد و ابطال شبهات مخالفین همت گماشت (ص ۲۲۷)؛ نیز نک: رازی، صص ۲۱۲، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۸۰.

۲۸۱، ۵۲۵ و ۵۲۶)؛ بنا بر این اقتباس‌های وی از منابع اهل سنت در صورت تعارض با معتقدات امامیه مورد نقد قرار گرفته است (نک: یاحقی، صص ۳۲۹-۳۳۱).

محدث نوری مجمع البیان را مختصری از تفسیر ابوالفتوح می‌داند (۴۸۷/۳). این نظر را مدرس تبریزی نیز تأیید کرده است (۲۲۷/۷)؛ لکن با توجه به پایان تألیف تفسیر ابوالفتوح تا حدود سال ۵۴۷ق (نقیسی، صص ۹۷۸ و ۹۷۹) و پایان تألیف مجمع البیان تا حدود سال‌های ۵۳۴ق یا ۵۳۶ق (گرچی، ۱۳/۱ و نیز کریان، ۲۲/۲)، معلوم می‌شود تدوین این دو تفسیر تقریباً همزمان صورت پذیرفته و این ادعا که یکی خلاصه‌ای از دیگری باشد و یا از دیگری اثر پذیرفته باشد، دور از صواب است. اختلاف این دو تفسیر که از مقایسه آن دو از هفت منظر متفاوت تحقیق شده است (کریان، ۲/صص ۲۱۱-۲۲۹)، این ادعا را به طور کامل رد می‌کند.

تفسیر ابوالفتوح بر تفاسیر فارسی پس از خود تأثیر شگرفی داشته است. به گونه‌ای که برخی محققان بر این باورند که تفسیر «جلاءالاذهان و جلاءالاحزان» معروف به تفسیر «گازر» اثر ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (زنده در سال ۷۷۲ق) از آغاز تا انجام به جز خطبه و سبب تألیف از تفسیر ابوالفتوح اخذ شده است؛ به این معنا که جرجانی روش و سبک تفسیر ابوالفتوح را اساس کار خویش قرار داده و سخنان وی را گاه بدون هیچ تغییر و گاه با تغییری بسیار مختصر و یا با تلخیص در تفسیر خود درج نموده است (محدث ارموی، ص «ی»؛ لکن وی هیچ‌جا به روض الجنان و این که تفسیر او در حقیقت چکیده کار ابوالفتوح است، اشاره‌ای نمی‌کند (همو، ص «یب»)).

ملافتح الله کاشانی نیز اساس تفسیر خود را موسوم به «منهج الصادقین» بر تفسیر گازر نهاد و به این ترتیب روض الجنان یک بار دیگر در قالبی تازه ارائه شد (همو، ص «لز»)، گرچه به نظر می‌رسد، کاشانی اصولاً تفسیر گازر و روض الجنان را یکی می‌پنداشته است (همو، ص «لم»).

این تأثیر منحصر به تفاسیر فارسی نیست و به حوزه تفاسیر عربی اهل سنت و جماعت نیز گسترش یافته است. مثلاً قاضی نورالله شوشتری معتقد است، فخر رازی تفسیر خود را از تفسیر ابوالفتوح اقتباس کرده است (ص ۲۱۱). محدث نوری (۴۸۷/۳) و مدرس تبریزی (۲۲۸/۷) نیز بر همین باورند (نیز نک: حقوقی، ۱/ صص ۱۹۶-۲۰۲). در مقایسه تفسیر «غیب» (ابوالفتوح،

۴۱/۱ و فخر رازی، ۲۷/۲) و «صلاة» (ابوالفتوح، ۴۲/۱ و فخر رازی، ۲/صص ۲۷ و ۲۸)، این شباهت کاملاً آشکار است. میرزا ابوالحسن شعرانی ادعای قاضی نور الله شوشتری را نامفهوم دانسته و شباهت این دو تفسیر را منکر شده است. هرچند وی فخر رازی را متأثر از تفاسیر شیعه می داند؛ چنانکه در تفسیر «مالک یوم الدین» مطابق مذهب شیعه سخن گفته است (شعرانی، ۱/صص ۱۱ و ۱۲). چون یکی از نکات برجسته تفسیر امام فخر تصریح به منابع اقوال و آراست و هیچ‌جا وی اشاره ای به تفسیر ابوالفتوح نمی‌کند، به طور قاطع نمی‌توان در این زمینه داوری کرد؛ چنانکه برخی احتمال داده‌اند، مطالب مشترک دو تفسیر از منبع دیگری مانند «تفسیر طبری» اخذ شده باشد (حقی، ص ۴۷).

۴. حجیت و اعتبار خبر واحد

یکی از گویاترین مواضعی که دیدگاه ابوالفتوح رازی را در عدم اعتبار و حجیت خبر واحد بیان می‌کند، مطلبی است که در تفسیر آیه نبأ(یا ایها الذین آمنوا إن جاءکم فاسق بنیاً فتنیوا... الحجرات/۶) مرقوم فرموده است: «و در آیت دلیل است بر آن که خبر واحد ایجاب علم و عمل نکند، برای آن که این نباشد که قایل دروغ می‌گوید، و آنچه به این صفت باشد، از اخبار توقّف واجب باشد در او، و فرقی نبود در این قضیه میان خبر فاسق و خبر عدل، برای آن که عدالت چون در حدّ عصمت نباشد، امان حاصل نباشد، از آن که مخبر دروغ می‌گوید و با این جواز علی [کل] حال توقّف واجب [است]» (۱۸/۱۸). وی سپس دلیل قائلان به حجیت خبر واحد را این چنین طرح و نقد می‌نماید: «و گروهی استدلال کردند به این آیت بر وجوب عمل [بر] خبر واحد، و آن آن است که گفتند: چون [در] خبر فاسق توقّف [فرمود] باید که خبر در عدل و عمل واجب باشد تا فرق بود میان خبر فاسق و خبر عدل، گوئیم: این دلیل طریق الخطاب است، و دلیل الخطاب معتمد نیست، بتزویک بیشتر اهل علم، پس درست آن است که اوّل گفتیم» (همان‌جا). ظاهراً مراد وی از دلیل الخطاب مفهوم وصف است که به اعتقاد بیشتر محققان متأخر از علمای اصول فاقد حجیت است (مظفر، ۱۱۳/۱ و ۱۱۴). گرچه برخی چنین مفهومی را حجیت دانسته‌اند (نک: حیدری، ص ۱۰۸).

ابوالفتوح رازی هرگونه صرفه نظرکردن از ظواهر قرآن را به قرینه اخبار آحاد نادرست می‌داند؛ چنان‌که در تقد ققیهان عامه که قائل به تعصیبند،^۱ می‌نویسد: «و حجت ایشان در تعصیب خبری واحد است که آوردند: ما ایت الفرائض فلالی عصبه (ابوداود، ۱۲۲/۳)، گوئیم این خبر ضعیف است و واحد است و به خبر واحد، ظاهر قرآن رها نکنند و تخصیص نکنند، عموم قرآن را به آن» (۷۳۱/۱) و در موضع دیگری مرقوم می‌دارد: «تخصیص عموم به خبر واحد روا نبود، برای آنکه این معلوم است و آن مظنون و برای مظنون دست از معلوم نیدارند و آن که دعوی کردند که رسول گفت: «نحن معاشر الانبیاء لا نورث ما ترکناه صدقه» (مسلم، ۱۳۷۸/۳)، خبر واحد است اگر تسلیم کنیم، و به او تخصیص قرآن نشاید کرد (۱۴۰۴ق، ۷۳۴/۱)

این عبارات صراحت دارد، بر این‌که ابوالفتوح رازی همچون علمای متقدم امامیه چون سید مرتضی و پیش از او خبر واحد را فاقد حجیت می‌داند. سید مرتضی می‌فرماید: «بدان که رأی صحیح آن است که خبر واحد مفید علم نیست؛ بلکه اگر راوی آن عادل باشد، مفید ظن غالب به راستی و صحت آن است... و عمل باید تابع علم باشد (۲/صص ۵۱۷ و ۵۱۹)؛ لکن پرسش جدی که در زمینه این موضوع به ذهن تبادر می‌کند، آن است که با توجه به تنوع کاربرد روایات در تفسیر ابوالفتوح و نظر به این‌که اکثر قریب به اتفاق این روایات، از نوع آحاد می‌باشند، چه وجه جمعی می‌توان ارائه نمود؟ شاید در مقام پاسخ بتوان از تحقیق شیخ انصاری (ره) در جمع دو ادعای اجماع متعارض در حجیت خبر واحد و عدم آن که شیخ طوسی و سید مرتضی ادعا کرده‌اند، استفاده نمود (نک: مظفر، ۲/ ۷۸).

در توضیح این مطلب باید دانست که شیخ طوسی ملقب به شیخ الطائفه که مدتی در کنار سید مرتضی محضر شیخ مفید را درک نمود و پس از شیخ مفید مدتی نزد سید مرتضی تلمذ کرد، برخلاف سید مرتضی نسبت به حجیت خبر واحد ادعای اجماع کرده است (طوسی، ۱/ ۱۲۶). اصولیان در مقام جمع ما بین این دو ادعای متعارض و جوهی را ذکر کرده‌اند. از جمله شیخ

۱. اهل سنت معتقدند وقتی ار سهام صاحبان فروش چیزی زیاد آید آن را به پسر و کسائی که به آنان بستگی و خویشی دارند، باید داد، بی آن که از

ماراد به صاحبان فروش بدهند (یعنی، ص ۲۹۱).

انصاری فرموده است: مراد سید مرتضی از «علم» به عنوان ملاک صدق اخبار، صرف اطمینان است؛ زیرا در تعریف علم می فرماید: «حالتی است که موجب آرامش دل گردد» و این ادعای برخی اخباریان است که مراد ما از علم به صدور اخبار همین معنی است، نه یقین که به هیچ وجه احتمال خلاف در آن راه ندارد. پس مراد شیخ طوسی از مجرد بودن اخبار از قرائن، مجرد بودن آنها از قرینه‌های چهارگانه یعنی موافقت با کتاب، سنت، اجماع و دلیل عقلی است و مراد سید مرتضی از همراه بودن بیشتر اخبار به قرائن، اموری است که موجب اطمینان به وثاقت راوی یا صدور روایت از معصوم(ع) است(انصاری، ۱۵۶/۱).

بدین ترتیب خبر واحد متصل السند که راوی آن امامی و ثقة است، از نظر شیخ طوسی خبر واحد مجرد از قرائن است و چنین خبری از نظر سید مرتضی همراه با قرائن و موجب اطمینان به صدور از معصوم(ع) است. پس این نزاع لفظی است و استناد این دو بزرگوار به اخبار در مقام افتاء مبین آن است. در نتیجه باید گفت ابوالفتوح رازی که در مبحث حجیت خبر واحد از مسلک عالمان متقدم امامیه پیروی کرده است، اخبار آحادی را که به عنوان دلیل آراء تفسیری خود ذکر کرده، همراه با قرائن اطمینان آور می دانسته است.

۵. منابع روایی

در این مبحث به اهم منابع روایی که ابوالفتوح رازی نام آن‌ها را در تفسیر خود یاد کرده و از آنها حدیث نقل کرده است، می پردازیم و خواننده محترم را به عنوان نمونه به یک مورد ارجاع می دهیم.

۱- معانی الاخبار اثر ابن بابویه شیخ صدوق(۶/۲).

۲- کتاب الغیبة اثر ابن بابویه شیخ صدوق(۷۸۷/۱). برای آگاهی از کتاب نک: آقا بزرگ

تهرانی، ۸۰/۱۶.

۳- امالی شیخ مفید(۳۴۲/۱).

۴- مسائل عبدالله بن سلام(۳۱۸/۳). برای آگاهی از کتاب نک: آقا بزرگ تهرانی،

۲۰/صص ۲۵۶ و ۲۵۷ نیز ذهی، ۱۶۸/۱.

۵- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۷۴/۲).

۶- تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن اثر محمد بن جریر طبری (۷۴/۲). ابوالفتوح حدود پانصد روایت تفسیر خود را از این کتاب نقل کرده است که مهم‌ترین منبع روایی این تفسیر محسوب می‌گردد (حقی، ص ۲۴۷).

با مقایسه روایات تفسیر ابوالفتوح با منابع روایی پیش از وی معلوم می‌شود، او افزون بر منابع فوق که از آنها نام می‌برد، از منابع دیگری نیز بهره برده که از آنها یاد نکرده است. اهم این منابع به ترتیب ذیل گزارش می‌گردد و برای هر کدام به یک نمونه اشاره می‌شود:

۱- «نهج البلاغه» (ابوالفتوح، ۴۷۳/۱، حدیث «الحکمة ضالة المؤمن» ← نهج البلاغه، حکمت ۸۰).

۲- «الکافی»، اثر محمد بن یعقوب کلینی (ابوالفتوح، ۲۶/۱ حدیث «الحمد لله علی کل حال» ← کلینی، بی تا، ۲۶۴/۴).

۳- «فقیه من لا یحضره الفقیه»، اثر ابن بابویه شیخ صدوق (ابوالفتوح، ۱۰۳/۱، حدیث «الصلاة قربان کل تقی» ← ابن بابویه، بی تا، فقیه من لا یحضره الفقیه، ۲۱۰/۱).

۴- «عیون اخبار الرضا»، اثر ابن بابویه شیخ صدوق (ابوالفتوح، ۱۳۱/۱ حدیث «علیکم بالعدس..» ← ابن بابویه، بی تا، عیون اخبار الرضا، ۴۱/۲).

۵- «الصحیح»، اثر محمد بن اسماعیل بخاری (ابوالفتوح، ۵۳/۱ و ۶۱۶/۲ حدیث علامت‌های چهارگانه نفاق ← بخاری، بی تا، ۱۵/۱).

۶- «الصحیح»، اثر مسلم بن حجاج نیشابوری (ابوالفتوح، ۱۴۰۴، ۱۱/۱ حدیث خوله بنت حکیم ← مسلم، بی تا، ۲۰۸۰/۴).

۷- «السنن»، اثر ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی (ابوالفتوح، ۱۱/۱ حدیث معاذ ← ابوداود، بی تا، ۴/صص ۲۴۸ و ۲۴۹).

استفاده از جوامع حدیث اهل سنت گاه موجب نقل احادیثی در تفسیر ابوالفتوح گردیده است که با دیدگاه مشهور امامیه و احادیث ایشان فاصله دارد. مانند حدیث نبوی(ص): «احفظونی فی اصحابی فانهم خیار امتی» (۱/۶۲۸، نک: سیوطی، بی تا، ۱/۴۵ ح ۲۵۶)

۶. تعداد روایات

براساس گزارش حقوقی تعداد روایات مورد استناد ابوالفتوح رازی دوهزار و هفده حدیث است (۲/۴۹۲). به نظر می رسد این عدد تعداد کل احادیث اعم از مکرر و غیر آن را در بر می گیرد. لکن تعداد احادیث بدون لحاظ مکررات طبق شمارش نگارنده براساس فهرست انتشار یافته احادیث تفسیر ابوالفتوح، بالغ بر یک هزار و هفتصد و شش حدیث است (ارشاد سهرابی و علیدوست، ۱۷/صص ۱۷-۴۴)

این تعداد در شمارش محمد مهدی حقی که در بخش انتشار نیافته پایان نامه تحصیلی وی مندرج است، یک هزار و سیصد و بیست و دو حدیث است که تعداد یکصد و بیست و دو حدیث آن تکراری معرفی شده است (ص ۲۴۷).

نکته حائز اهمیت آن است که تعداد قابل توجهی از این روایات با منابع موجود به طور کامل مطابقت ندارند و کاستی یا فزونی و گاه نقل به معنا در متن آنها مشاهده می شود. به نظر می رسد، ابوالفتوح به عنوان واعظی توانا غالب این روایات را در حافظه خود داشته و هنگام استناد به آنها نا خود آگاه این امر رخ داده است. نمونه بارز این ادعا روایتی است که از معانی الاخبار این بابویه در باره ابوذر دو بار نقل کرده و مطلبی را در پایان به متن، در هر دو بار افزوده که در منبع مذکور موجود نیست (ابوالفتوح، ۲/صص ۶ و ۶۵۲ و ابن بابویه، صص ۱۷۸ و ۱۷۹)

۷. تنوع کاربرد روایات

روایات تفسیری مانند دیگر روایات منقول از معصومان(ع) در مناسبت‌های مختلف بیان شده است و به اصطلاح دارای شأن صدورهای متفاوتی می‌باشند. معصومان(ع) گاه در مقام پاسخ به پرسشی حدیثی را فرموده و گاه در مقام احتجاج با مخالفان به آیه ای از قرآن کریم استدلال فرموده‌اند و زمانی در مقام تبیین معنای باطنی آیه‌ای بوده‌اند. لذا جهت بررسی کاربردهای مختلفی که روایات در یک تفسیر داشته است، لازم است به گونه‌های روایات تفسیری توجه شود.

در تفسیر ابوالفتوح از روایات تفسیری کاربردهای متنوعی شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها در این مبحث می‌پردازیم:

۸. تبیین معنای واژگان قرآنی

از آنجا که فهم واژگان نخستین گام در فهم و تفسیر هر کلامی از جمله قرآن کریم است و در واژگان قرآنی باید به مفهوم آنها در زمان نزول دست یافت، این موضوع مهم همواره مورد عنایت معصومان(ع) بوده است و بخش قابل ملاحظه‌ای از روایات تفسیری را به خود اختصاص داده است. در تفسیر ابوالفتوح به این کاربرد مهم روایات تفسیری توجه شده است و در تبیین معنای واژگان قرآنی فراوان به روایات استناد گردیده است که در اینجا به چند نمونه از این روایات اشاره می‌نماییم:

در توضیح معنای «عفو» در آیه شریفه: «و یسألونک ماذا ینفقون قل العفو...» (البقره/۲۱۹) می‌فرماید: «اصل عفو در لغت زیاده باشد»؛ سپس به روایتی نبوی(ص) استناد می‌کند که فرمود: «أحفوا الشوارب و أعفوا اللّحی ای کثروها» (ابوالفتوح رازی، ۲۱۸/۳)؛ یعنی: شارب‌ها را کوتاه کنید و ریش‌ها را زیاد گردانید (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۳۰/۱ و مسلم، ۲۲۲/۱)

۹. تعیین مصداق برای مفاهیم عام قرآنی

الف- در این که مصداق روشن دو مفهوم عام «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» در سوره مبارکه حمد چیست، این گونه به روایت نبوی (ص) استناد می نماید: رسول (ص) در وادی القری با جهودان کارزار می کرد. مردی از بُلَاقین گفت: یا رسول الله اینان که اند که با تو کارزار می کنند؟ گفت: «المغضوب علیهم» گفت: دیگران که اند؟ گفت: هم الضالون و اشارت به ترسایان کرد (ابوالفتوح رازی، ۸۹/۱ و طبری، ۱/صص ۶۱ و ۶۲).

ب- در بیان مصداق بارز «صادقین» در آیه شریفه: «... و کونوا مع الصادقین...» (توبه/۱۱۹) به روایت نبوی (ص) استناد می کند که فرمود: «ما أظلت الحضراء ولا أقلت الغبراء أصدق لهجة من أبي ذر»؛ آسمان سایه بر کس نیفکند و زمین کس را بر نگرفت، راستگوتر از آن بوذر. چون این می گفت، امیرالمؤمنین علی (ع) از در مسجد می در آمد. رسول (ص) گفت: إلا هذا الرجل المقبل فإنه الصديق الأكبر و الفاروق الأعظم (ابوالفتوح رازی، ۷۷/۱۰)؛ یعنی: به جز این مردی که به سوی ما می آید. به راستی که او بزرگترین راستگو و جدایی گریز بین حق و باطل است (این بابویه، صص ۱۷۸ و ۱۷۹).

۱۰. حل مشکل و رفع ابهام بدوی از آیات

الف- در این که مراد از «الصلوة الوسطی» در آیه شریفه: «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی» (البقره/۲۳۸) چیست، در بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. منشأ این اختلاف آن است که کدامین نماز را در طول یک شبانه روز نخستین نماز بدانیم. ابوالفتوح رازی جهت حل این مشکل و رفع ابهامی که در بادی امر به ذهن متبادر می شود به روایت نبوی (ص) استناد کرده است (۳۱۷/۳) که فرمود: «صلوة الوسطی هی العصر» (طوسی، ۲۷۵/۲ و طبری، ۲/صص ۳۲۲ و ۳۲۳) و در توضیح این که چرا نماز عصر را صلوة وسطی خوانده است، به روایت نبوی دیگر استناد نموده است که حضرت (ص) فرمود: «لأنها بین صلاتی لیل و نهار» (طبری، ۳۲۶/۲)؛ زیرا نماز عصر بین دو نماز شب و روز قرار گرفته است (ابوالفتوح رازی، ۳۱۸/۳).

ب- در مقام رفع ابهام از ظاهر این آیه شریفه که فرمود: «کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الأسود من الفجر» (البقره/۱۷۸) به حدیثی نبوی (ص) استناد کرده است. وی در این باره چنین می نویسد: عدی بن حاتم گوید: رسول (ص) مرا نماز و روزه بیاموخت و در باب روزه گفت: چون آفتاب فرو شود، روزه بگشای و آنگاه مباح است تو را طعام و شراب خوردن تا آنکه که رسن سپید از رسن سیاه پیدا شود تو را، گفت: من در شب برخاستم و دو رسن پیش خود بنهادم و در او نگریدم، بر من مشتبه بود، گاهی پیدا شدی و گاهی ملتبس، بیامدم و رسول (ص) را خبر دادم، بخندید و گفت: یابن حاتم! [نمی]دانی که مراد بیاض صبح است از سواد شب؟ (ابوالفتوح رازی، ۵۶/۳ و بغوی، ۱۵۸/۱)

۱۱. تخصیص مفاهیم عام آیات

الف- از جمله موارد مهم دیگری که ابوالفتوح به روایات استناد کرده است، تخصیص مفاهیم عام آیات قرآن کریم است. وی ذیل آیه شریفه «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون» (الانعام/۸۲) از قول جمعی از صحابه چنین می نویسد: چون این آیت فرود آمد بر مسلمانان بترسیدند و گفتند: یا رسول الله کیست از ما که بر خود ظالم نیست؟ پس امن از ما برخاست. رسول (ص) گفت: خلاف آن است که شما گمان بردی. این ظلم کفر است. نبینی که خدای تعالی چون حکایت کرد از آن بنده صالح یعنی لقمان: یا بئی لا تشکر بالله ان الشکر لظلم عظیم (لقمان/۱۳) (ابوالفتوح رازی، ۳۶۰/۷ و طبری، ۱۵۶/۷).

ب- ظاهر آیه شریفه: «حرمت علیکم المیتة و الدم. ..» (المائده ۳) دلالت بر حرمت خوردن هر مرداری می نماید. ابوالفتوح رازی در مقام تخصیص این عمومیت به روایتی استناد می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود: میتان مباحان السمک و الجراد (ابوالفتوح رازی، ۹۴/۲)؛ یعنی: دو مردار است که خوردن آنها مباح می باشد: ماهی و ملخ (طوسی، ۴۲۹/۳).

۱۲. تأکید معنای ظاهر از آیات

در ذیل آیه شریفه: «...و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما آتیتموهنّ...» (النساء/۱۹) روایتی را از جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند که رسول خدا(ص) خطبه ای ایراد کرد و در آن فرمود: اتقوا الله فی النساء فانکم أخذتموهنّ بأمانة الله و استحللتم فروجهنّ بکلمة الله (ابوالفتوح رازی، ۲۹۶/۵ وطوسی، ۱۵۳/۳ و طبری، ۱۹۸/۴) یعنی در باره زنان از خداوند پروا نمائید؛ چرا که شما آنان را به امانت الهی گرفتید و ناموسشان را به حکم الهی بر خود حلال نمودید.

۱۳. تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام

یکی از کاربردهای مهم روایت در تفسیر قرآن کریم تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام است به گونه ای که طرفداران روش تفسیر قرآن به قرآن نیز استناد به روایات را در این مورد در متن تفسیر جایز شمرده اند. علّامه طباطبایی (ره) مفسر بزرگ معاصر که بر اساس همین روش کل قرآن کریم را تفسیر نموده است. در خصوص حجّیت خبر واحد می‌فرماید: خبر واحد حجّت نیست، مگر این‌که همراه با قراین مفید علم باشد، یعنی اطمینان شخصی کاملاً حاصل شود؛ خواه روایت مربوط به اصول دین باشد یا تاریخ، فضایل و یا موضوعات دیگر. اما در فقه، اطمینان نوعی در حجّیت روایت کافی است و این در صورتی است که روایت با قرآن مخالفتی نداشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱/۸). وی بر همین اساس در تفسیر آیات الاحکام در متن تفسیر المیزان به روایات آحاد تفسیری استناد می‌نماید (نک: هو، ۳۸۹/۲ و نیز: ۳۶۶/۳، ۲۳۱/۱۲ و ۱۰۸/۱۶).

ابوالفتوح رازی نیز از سنت معمول مفسران در تفسیر آیات الاحکام پیروی نموده و در ذیل آیات الاحکام به روایات متعددی از معصومان(ع) استناد کرده است.

در تفسیر آیه: .. و امهاتکم اللّاتی أرضعنکم. .. (النساء/۲۳) با استناد به برخی روایات به توضیح احکام رضاع می‌پردازد. در توضیح این بخش از آیه می‌نویسد: آنان که شما را شیر داده باشند، مادر رضاع باشند و خواهران از جهت رضاع، و هر چه از جهت نسبت حرام باشند [از جهت رضاع حرام باشند] لقوله - علیه السلام -: یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب

(ابوالفتوح رازی، ۳۰۶/۲ و ابن بابویه، فقیه من لا یحضره الفقیه، ۳/۴۷۵). وی سپس در بیان یکی از شرایط لازم در شیر خوارگی می‌نویسد: .. تمامی رضاع به دو سال بود، هرچه تمام شد آنچه پس تمام باشد، آن را حکمی نبود؛ برای آن که نه آن باشد و نیز قول النبی -علیه السلام-: لا رضاع بعد الحولین و إنما الرضاغ ما أنبت اللّحم و شد العظم (هسو، همان‌جا)؛ یعنی: اثری (از نظر حریمیت و حرمت نکاح) بر شیر دادن پس از دو سال مترتب نیست؛ بلکه تنها شیرخوارگی در صورتی مؤثر خواهد بود که گوشت پرویاند و استخوان را محکم سازد.

۱۴. بیان احکامی که در قرآن کریم تشریح نشده است.

ابوالفتوح رازی گاه در بیان احکام شرعی به روایاتی استناد می‌نماید که حاوی احکامی‌اند که از ظواهر آیات استفاده نمی‌شوند و اساساً در قرآن کریم تشریح نگردیده‌اند. اما از باب «وما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» (الحشر ۷) و نیز «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر» (الاحزاب/۲۱) و آیات متعدّد دیگر که حجّیت سنّت نبوی (ص) به صراحت از آنها فهمیده می‌شود. نمونه بارز آن روایات مربوط به رجم است. چون آیه ای در قرآن کریم تصریحاً یا تلویحاً بر چنین حکمی دلالت ندارد، ثبوت این حکم منحصر به روایات است. وی در این باره می‌نویسد: .. أو يجعل الله هنّ سیلاً. .. (النساء/۱۵) و آیت منسوخ است بآیه الحدّ و حکم الرجم و از صادق و باقر -علیهما السلام- هم این روایت است (نک: حر عاملی، ۳۵۱/۱۸) و رسول -علیه السلام- گفت: چون آیت حدّ فرود آمد: قد جعل الله هنّ سیلاً، البکر با لیکرماتة جلدة و الثیب بالثیب الجلد ثم الرجم (مسلم، ۳/صص ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷). خدای تعالی راه پدید آورد. بکر با بکر زنا کند، حدّ باید زدن ایشان را صد تازیانه و مراد به بکر از ایشان آن است که زن ندارد از مرد و شوهر ندارد از زن، و ثیب با ثیب چون زنا کند، اول حدّ و آنکه رجم (ابوالفتوح، ۲۸۷/۵).

۱۵. تعیین مکی و مدنی بودن سور قرآن کریم

ابوالفتوح رازی در تعیین مکی و مدنی بودن سور قرآن کریم فراوان به روایات استناد می‌نماید. مثلاً در اثبات مکی بودن سوره مبارکه حمد از امیرمؤمنان علی(ع) روایت می‌کند که فرمود: نزلت فاتحة الكتاب بمكة من كنز تحت العرش (همو، ۳۴/۱)؛ یعنی سوره حمد در مکه از گنجی زیر عرش الهی نازل گردید، و در مقام تأیید از ابن عباس نقل می‌کند که: چون رسول(ص) به مکه برخاست، به ادای رسالت، اول سخن این گفت که: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، تا به آخر بر خواند. قریش گفتند: «دقّ الله فاك»؛ خدا تعالی دهانت بشکند! (همو، همان جا و سیوطی، الدر المنتور، ۱۱/۱).

۱۶. تعیین آیات ناسخ و منسوخ

استناد به خبر واحد در اثبات نسخ نا رواست؛ زیرا خبر واحد ظن آور است و در اثبات نسخ به دلیل قطعی و یقین آور نیاز است (خویی، ۳۰۴). ابوالفتوح رازی در این باره می‌نویسد: نسخ قرآن به اخبار آحاد روا نباشد، علی ما بین فی غیر موضع (۷۴۹/۱)؛ اما نسخ قرآن با خبر متواتر را روا می‌داند. چنانکه فرموده است: مذهب ما و دیگر فقها آن است که نسخ القرآن بالسنة المعلومة المقطوع علیها روا باشد، برای آنکه سنت معلومه از اخبار متواتر و اجماع امت حکم قرآن است؛ چنانکه نسخ قرآن روا باشد، بعضی به بعضی، نسخ قرآن به سنت مقطوع علیها روا باشد و فرقی نبود (۳۴/۲). وی در رد قول کسانی که منکر جواز وصیت نمودن به وارث شده‌اند و به حدیث: «لا وصية لوارث» استناد کرده‌اند، می‌نویسد: و اما آن خبر که آورده‌اند «لا وصية لوارث» (طوسی، ۱۰۸/۲). آن خبر واحد است نسخ قرآن (یعنی؛ آیه «و الذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیة لآزواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج...» البقره ۲۴۰) به آن درست نباشد (ابوالفتوح رازی، ۳۲۷/۳). اما به عنوان مؤید به اخبار واحد در مبحث ناسخ و منسوخ استناد می‌نماید. مثلاً در اثبات نسخ آیه: «و أَلَلَقِ یَاتِیَنِ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِمْ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَاَسْکُوهِنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتّٰی یتُوفَاھِنَّ الْمَوْتَ أَوْ یَجْعَلَ اللهُ لھنَّ

سیبلا(النساء/۱۵) می‌فرماید: آیت منسوخ است بآیه‌الحَدْ و حکم الرجم و از صادق و باقر - علیها السلام - هم این روایت است(همو، ۲۸۷/۵ و نیز نک: حر عاملی، ۳۵۱/۱۸).
توضیح آن‌که در آیه مورد بحث چون تصریحی به موقت بودن حکم نشده است، آیه جلد و حکم رجم را می‌توان ناسخ آن دانست(نک: معرفت، صص ۲۵۲ و ۲۵۳)؛ لکن در میان این دو حکم، رجم مخصوصی برای آیه جلد خواهد بود.

۱۷. بیان پاداش معنوی خواندن سوره‌ها

تقریباً در همه مواردی که ابوالفتوح رازی در صدد بیان پاداش قرائت سوره قرآنی بوده است، به روایات استناد نموده است و این از کاربردهای مهم و شایع روایات در تفسیر ابوالفتوح می‌باشد. نکته شایان توجه آن است که بسیاری از روایات فضائل قرائت سوره‌ها ضعیف و بعضاً موضوع و ساختگی است و مفسران از جمله ابوالفتوح رازی از باب قاعده تسامح در ادله سنن در اسانید آنها تدقیق ننموده‌اند. مثلاً در فضیلت و پاداش قرائت سوره مبارکه نور از ابی بن کعب از پیامبر اکرم(ص) روایت می‌کند که فرمود: هر که سوره النور بخواند، خدای تعالی او را به عدد هر مؤمنی که بود و باشد از گذشتگان و آیندگان ده حسنه او را بنویسد(همو، ۶۳/۱۴).
روایت ابی بن کعب در فضیلت خواندن سوره‌ها که آنچه ذکر شد، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، بر اساس تحقیق برخی از حدیث‌پژوهان بزرگ ساختگی است(مامقانی، ص ۸۸).

۱۸. تناسب روایات با مفاد آیه

از جمله کاربردهای دیگر روایات در تفسیر ابوالفتوح ذکر روایاتی است که با مفاد آیه مورد بحث تناسب دارد؛ اگرچه نمی‌توان روایت را در مقام تفسیر آیه دانست؛ لکن به لحاظ تناسب و فوائد مهم معرفتی که در حدیث مندرج است، در ذیل آیه به آن استناد شده است. از باب نمونه در ذیل آیه شریفه: « .. و من لم یعمل الله له نوراً فما له من نور. ..(النور / ۴۰) روایتی را از حضرت رسول(ص) نقل می‌کند که از آن حضرت پرسیدند: « ائتت تو فردای قیامت صراط چگونه

سبک تفسیری ابوالفتوح رازی و جایگاه حدیث در آن ۱۲۹

گذراند در ظلمات قیامت؟ گفت: اَمّت بر صراط به نور علی گذراند و علی بر صراط به نور من گذرد و من به نور خدای تعالی گذرم و نور امت من از نور علی است و نور علی از نور من و نور من از خدای تعالی، و هر که به ما تَوَلّی نکند، او را نور نباشد؛ سپس این آیه را قرائت فرمود (همو، ۱۶۲/۱۴).

۱۹. تأویل آیات متشابه

ابوالفتوح رازی در تأویل آیات متشابه پس از تحقیق گسترده و استمداد از آیات محکم قرآن کریم و تتبع وسیع در لغت عرب از روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) استمداد می‌نماید. مثلاً در نقد کسانی که نظر را در آیات «وَجْهَ يَوْمَئِذٍ نَاضِرًا إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (القیامة/۲۲ و ۲۳)، نگاه با چشم سر به ذات اقدس الهی در قیامت دانسته اند، پس از ارائه یک تحقیق ارزنده ادبی، نظر را انتظار معنی می‌کند و در تأیید آن به قول جمعی از بزرگان صحابه و تابعین و روایتی از امیرمؤمنین (ع) استناد می‌کند. در این باره می‌نویسد: اگر بگویند: چون تأویل مخالفان باطل کردی، تأویل درست چیست آیت را؟ گوییم: تأویل درست آن است که: «نظر» به معنی انتظار است، و این تأویل روایت کرده اند از عبدالله عباس و حسن و مجاهد و قتاده و ابن جریر و ابو صالح و سعید بن جبیر و روایت کرده اند، از امیرمؤمنین علی - علیه السلام - و جماعتی اهل علم (همو، ۵۶/۲۰ و ۵۷).

۲۰. شأن نزول آیات و سور

راه منحصر به فرد دست یابی به شأن نزول آیات و سور مراجعه به روایت منقول از صحابه‌ای است که خود شاهد نزول وحی بوده اند (واحدی، ص ۱۹). ابوالفتوح رازی نیز از این قاعده مورد قبول نزد اهل تفسیر و علوم قرآن پیروی نموده و هر کجا بحثی از شأن نزول به میان آورده، به استناد روایات منقول از شاهدان نزول وحی بوده است. شاهد گویای این ادعا روایت مفصّلی

است که در شأن نزول سوره هل أتى و آیات مربوط به فضائل ابرار در این سوره، نقل کرده است (نک: ۷۸/۲۰-۸۰).

۲۱. صحابه و ارزش گفتار ایشان

برخلاف ادعای برخی که مفسران شیعه را متهم به بی‌اعتنایی به آراء صحابه در تفسیر قرآن کریم نموده‌اند و مدعی شده‌اند که مفسران امامیه صرفاً به روایات منقول از امامانشان بسنده می‌نمایند (گلد زهر، ص ۳۰۴ و نیز: ذهبی، ۳۱/۲)، مفسران نامدار امامیه در تفاسیر خود توجه وافری به آراء تفسیری صحابه و تابعین مبذول داشته‌اند.

تفاسیر برجسته امامیه چون تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی و جوامع الجامع او مشحون از آرای تفسیری ایشان است. اما نکته قابل توجه آن است که اهل سنت به لحاظ آن‌که همه صحابه را عادل می‌دانند (سیوطی، ۱۹۰/۲، و نیز ابن حجر عسقلانی، ۶/۱)، روایاتی که به طریق صحیحی به یکی از ایشان استاد داده شود، چه در تفسیر قرآن کریم و چه در معارف دیگر دینی حجت و معتبر می‌دانند. چنین سخنی که صریحاً منسوب به پیامبر اکرم (ص) نیست، حدیث موقوف نامیده می‌شود (سیوطی، ۱۴۹/۱) و از نظر اعتبار حکم احادیث مرفوع را دارد (همو، همان‌جا).

امامیه در این موضوع دیدگاهی متفاوت با اهل سنت دارند. در این دیدگاه صحابه نیز مانند سایر مسلمانان ممکن است، عادل و ثقة باشند و یا فاسق و غیر ثقة و نه تنها دلیل معتبری بر عدالت همه ایشان وجود ندارد؛ بلکه شواهد تاریخی و روایی معتبر گویای فسق برخی از ایشان است (نک: حکیم، صص ۱۳۹ و ۱۴۰)؛ لذا امامیه فرقی ما بین روایات صحابه و غیر ایشان قائل نیستند و تمام تقدیهایی را که در خصوص روایات غیر صحابه اعمال می‌کنند، در باره روایات ایشان نیز ضروری می‌دانند (نک: شهید ثانی، ص ۳۴۳).

در خصوص آرای اجتهادی صحابه باید گفت، دیدگاه امامیه آن است که چون ایشان معصوم از خطا نیستند و هر مجتهد در اجتهاد و استنباط خود ممکن است خطا کند، آراء اجتهادی

سبک تفسیری ابوالفتوح رازی و جایگاه حدیث در آن ۱۳۱

صحابه چه در تفسیر قرآن و چه در غیر آن فاقد اعتبار و حجیت است. اگرچه باید اذعان کرد که مصاحبت ایشان با رسول اکرم (ص) و معاصرت آنان با نزول وحی و آگاهی ایشان از قرائن حاکم بر نزول آیات و نیز معانی عرفی واژگان قرآنی در آن زمان، در کاهش میزان خطای آنان مؤثر است و به همین لحاظ لازم است، به اجتهاد ایشان در فهم آیات توجه شود.

طبق آنچه گفته شد، ابوالفتوح رازی نیز چون سایر مفسران نامدار به طور وسیع به نقل آرای اجتهادی صحابه و تابعین در تفسیر آیات پرداخته و توجه ویژه‌ای به فهم ایشان از آیات مبذول داشته است. اما این مطلب به منزله اعتبار مطلق قائل شدن وی به آرای اجتهادی ایشان در تفسیر نیست.

۲۲. اسرائیلیات

در تفسیر ابوالفتوح مانند برخی از تفاسیر دیگر اسلامی با اخبار اسرائیلی و ضعیف مواجه می‌شویم و نام مروّجان مشهور اسرائیلیات مانند کعب الاحبار و وهب بن منبه در بین راویان روایات مورد استناد آن به چشم می‌خورد. به طور کلی می‌توان روایات اسرائیلی تفسیر ابوالفتوح را به سه نوع تقسیم کرد:

۱- روایاتی که مفاد آنها پذیرفته شده است. مانند روایات مربوط به آفرینش حواء (البقره ۳۹/). ابوالفتوح به دلیل موافقت روایات با ظاهر آیه آنها را صحیح دانسته است. نمونه‌های این نوع اندک است.

۲- روایاتی که نسبت به صحت و سقم آنها داوری صورت پذیرفته است؛ مانند روایات مربوط به ذبح گاو بنی اسرائیل (البقره ۶۷/، ابوالفتوح، صص ۲۱۶-۲۱۸) و روایات داستان عوج بن عنق (المائده/۱۲). البته این بدان معنی نیست که ابوالفتوح رازی از ضعف بلکه ساختگی بودن غالب این روایات بی‌خبر بوده یا از خطر اعتماد به چنین روایات ضعیف و بی‌اساسی نا آگاه بوده است؛ بلکه محتملاً دلیل وی و دیگر مفسران بزرگ جهان اسلام این است که این‌گونه اخبار با احکام و اعتقادات اسلامی ارتباطی ندارد؛ علاوه بر آن‌که از نقل یک داستان به

گونه‌های متفاوت، خواننده می‌فهمد که هیچ‌ک از آنها دارای اعتبار کافی نبوده و مراد از آن نقل‌ها تنها پند و درسی است که از قدر مشترک آنها فهمیده می‌شود (نک: شعرائی، ص ۲۷، تعلیقه).

گرچه ابوالفتوح رازی پس از نقل برخی روایات اسرائیلی بر آنها نقدی وارد نمی‌آورد؛ لکن در تفسیر وی عبارات صریحی وجود دارد که موضع روشن او را در قبال چنین روایاتی آشکار می‌سازد. وی در این باره می‌نویسد: بدان که قصاص از وهب و کعب و جز ایشان چندانی محال و حشو و ترهات و ناشایست در قصه ایوب گفته اند از آنچه عقل‌ها منکر باشد آن را، و اضافت کرده بسیار فواحش در آن باب با خدای تعالی و با ایوب و ما این کتاب را صیانت کردیم از امثال آن احادیث. آنچه از آن حدیث‌ها مستنکر نیست و مخالف ادله عقول و مناقض آنچه در اصول به ادله نامحتمل به تأویل درست شده است، طرفی بگوییم (ابوالفتوح رازی، ۲۵۹/۱۳).

۳- روایاتی که از طرق مختلف تقد گردیده است. مانند روایات ذیل آیه ۲۴ از سوره یوسف (ابوالفتوح، ۴۷/۱۱-۵۱) و روایات ذیل آیه ۲۱ از سوره ص (هو، همان، ۱۶/صص ۲۶۳ و ۲۶۴) و روایات افسانه‌گرانیک ذیل آیه ۵۲ از سوره حج (هو، همان، ۱۱/صص ۴۷-۵۱).

ابوالفتوح رازی پس از نقل روایات ضعیف که به تعبیر خود اصحاب حدیث و حشویان در ذیل آیه «و لقد همت به وهمّ بها...» (یوسف/۲۴) نقل کرده اند، می‌نویسد: و از این ترهات و محالات، آنچه عقل و شرع و قرآن و اخبار، پیغامبران خدای را از آن منزّه کرده است، و این هیچ بنزدیک ما روا نیست بر پیغامبران - علیهم السلام - از آنجا که ایشان معصومان و مطهرانند و پاکیزگان، و صغیره و کبیره بر ایشان روا نیست از آن جا که ادله عقل دلیل کرده است بر عصمت ایشان (هو، ۴۸/۲۲).

سبک تفسیری ابوالفتوح رازی و جایگاه حدیث در آن ۱۳۳

با دقت در متن نمونه های فوق به خوبی می توان توجه و حساسیت ابوالفتوح رازی را در احتراز از نقل روایات ضعیف و هشدار به خواننده در صورت نقل، دریافت. همچنین ملاک‌هایی را که وی در نقد متن این‌گونه روایات مورد توجه قرار داده است، حائز اهمیت است. مهم ترین ملاک های نقد این گونه روایات از دیدگاه ابوالفتوح رازی به ویژه در موارد بروز تعارض عبارت‌اند از:

- ۱- مخالفت با سیاق آیات(نک: ذیل الصافات /۱۱۲ و ابوالفتوح، ۲۱۳/۱۶).
- ۲- شذوذ(نک: ذیل الصافات /۱۰۱-۱۰۷، ابوالفتوح، ۱۶/صص ۲۱۰-۲۱۳).
- ۳- مخالفت با دلیل معتبر عقلی(نک: ذیل الاعراف /۱۸۹، ابوالفتوح، ۹/صص ۳۹ - ۴۲).
- ۴- موافقت با عامه(نک: ذیل الاحزاب /۳۶، ابوالفتوح، ۹/۱۵۹).
- ۵- مخالفت با شواهد و قرائن تاریخی(نک: ذیل الصافات /صص ۱۰۱-۱۰۷، ابوالفتوح، ۲۱۳/۱۶).
- ۶- ضعف سند(نک: ذیل الاعراف /۱۸۹، ابوالفتوح، ۹/۴۲، جهت آگاهی از تفصیل ملاک‌های نقد نک: دیاری بیدگلی، ۱۱/صص ۳۱۵-۳۲۷).

۲۳. نتایج مقاله

تفسیر ابوالفتوح رازی تفسیری است جامع که به سبکی واعظانه تألیف شده است. ابوالفتوح رازی از تیبان شیخ طوسی و تفاسیر فارسی پیش از خود چون ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سور آبادی اثر پذیرفته و بر تفاسیر پس از خود به ویژه تفاسیر فارسی جلال‌الاذهان و منهج الصادقین تأثیرگذار بوده است.

ابوالفتوح رازی به پیروی از اندیشمندان متقدم امامیه منکر حجیت و اعتبار خبر واحد است؛ به گونه ای که دست کشیدن از ظواهر قرآن کریم را به قرینه اخبار آحاد جایز نمی داند. با این وجود بالغ بر دو هزار و هفده حدیث مورد استناد وی قرار گرفته است. این امر حاکی از آن

است که ابوالفتوح رازی در مواردی که به خبر واحد راوی تقه به عنوان دلیل استناد می‌کند، آن را همراه با قرائن صدوری می‌داند.

اهم منابع روایی امامیه در تفسیر ابوالفتوح عبارت‌اند از: کافی کلینی، آثار ابن بابویه قمی چون معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا، فقیه من لا یحضره الفقیه، تفسیر علی بن ابراهیم قمی و امالی مفید. وی همچنین از برخی منابع روایی اهل سنت چون صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابو داود و به ویژه تفسیر طبری بهره برده است.

تنوع کاربرد روایات در تفسیر ابوالفتوح رازی عبارت است از: تبیین معنای واژگان قرآنی، تعیین مصداق برای مفاهیم عام قرآنی، حلّ مشکل و رفع ابهام بدوی از آیات، تخصیص مفاهیم عام آیات، تأکید معنای ظاهر از آیات، تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام، بیان احکامی که در قرآن کریم تشریح نشده است، تعیین مکی و مدنی، تعیین آیات ناسخ و منسوخ، بیان پاداش معنوی خواندن سوره‌ها، تناسب روایت با مفاد آیه، تأویل آیات متشابه، شأن نزول آیات و سور.

اگرچه ابوالفتوح به اقتضای سبک تفسیری خود توجه ویژه‌ای به قصص دارد و از این رو اسرئیلیات در تفسیر وی وارد شده است، لکن در موارد قابل توجهی به صراحت به نقد این گونه منقولات می‌پردازد و گاه از باب تسامح در ادله سنن و مواعظ سکوت اختیار می‌کند. مواردی را که به دلیل موافقت با ظواهر قرآن تأیید نموده، بسیار نادر است.

ابوالفتوح رازی در نقد اخبار ضعیف از ملاک‌هایی چون مخالفت با سیاق آیات، شذوذ، مخالفت با دلیل معتبر عقلی، موافقت با عامه، مخالفت با شواهد و قرائن تاریخی و ضعف سند استفاده کرده است که تا حدی روش وی را در نقد حدیث تبیین می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۹۵ ق، به کوشش: صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت
- آقا بزرگ تهرانی، بی تا، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۶۱ ش، معانی الاخبار، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- هو، ققیه من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا
- هو، عیون اخبار الرضا، تهران، انتشارات جهان، بی تا.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مقدمه فی اصول التفسیر، به کوشش: عدنان زرزور، کویت، دار
- القرآن الکریم و بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ق
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ ق
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دارالفکر، بی تا
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش: محمد
- جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،
- ۱۳۷۱ ش
- هو، روح الجنان و روح الجنان، به کوشش: میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامی،
- ۱۳۶۴ ش
- هو، روح الجنان و روح الجنان (پنج جلدی)، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق
- احمدی بیرجندی، احمد، پیشگفتار گزیده روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی
- آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ش
- ارشاد سهرابی و علیدوست، فهرست های مجلدات بیست گانه روض الجنان و روح الجنان، (مجموعه آثار
- کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی)، قم، مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۴ ش
- افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش: احمد حسینی، قم، بی تا، ۱۴۰۱ ق
- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، به کوشش: عبدالله نورانی، قم، النشر الاسلامی، بی تا

۱۳۶ // پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره دوم (تابستان ۱۳۸۶)

- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابوالفتوح رازی»، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳ش
- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۷ق
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، به کوشش: محمد رازی و ابوالحسن شعرانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
- حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش
- حکیم، محمد تقی، الأصول العامة للفقہ المقارن، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، ۱۹۷۹م
- حقی، محمد مهدی، روش شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر روح الجنان، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۳ش
- همو، روش شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر روح الجنان(بایان نامه تحصیلی دانشگاه امام صادق(ع))، ۱۳۷۱ش
- حیدری، علی تقی، اصول الاستنباط، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش
- خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، تهران، مکتبه اسماعیلیان، بی تا
- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة العلمية، بی تا
- دیاری بیدگلی، محمد تقی، نقل و نقد اسرائیلیات در تفسیر ابوالفتوح رازی(مجموعه آثار کنگره شیخ ابوالفتوح رازی- ۱۱)، قم، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴ش
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالقلم، بی تا
- رازی، عبد الجلیل، النقض، به کوشش: جلال الدین محدث ارموی، تهران، بی تا، ۱۳۵۸ش
- زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، المکتبة المصرية، بی تا
- سید مرتضی علم الهدی، الذریعة الی اصول الشریعة، به کوشش: ابوالقاسم گرگی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش

سبک تفسیری ابوالفتح رازی و جایگاه حدیث در آن ۱۳۷

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، بیروت، دارالکتب العربی،

۱۴۰۹ ق

همو، جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، بی تا
شعرانی، ابوالحسن، تعلیقات تفسیر روح الجنان و روح الجنان (۱۲ جلدی)، تهران، انتشارات اسلامی،

۱۳۹۸ ق

شوشتری، قاضی نور الله، مجالس المؤمنین، دار الطباعة على قلى خان قاجار، ۱۲۹۹ ق
شهید ثانی، زین الدین بن علی الجبسی العاملی، الرعاية فی علم الدار، به کوشش: عبدالحسین محمد
علی بقال، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق

طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۳

ق

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق

همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن، المطبعة المینة، مصر، ۱۳۲۱ ق

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی،

۱۴۰۳ ق

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا

همو، عذة الاصول، به کوشش: محمد رضا انصاری قمی، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق

علوی مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش

فخر رازی، فخر الدین، مقاتیح الغیب، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا

فیض، علیرضا، مبادئ فقه و اصول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش

کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا

گرگی، ابوالقاسم، مقدمه جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیة قم،

۱۳۶۷ ش

گلد زهر، اگتنس، مذاهب التفسیر الاسلامی، قاهره، مطبعة السنة المحمدیة، ۱۳۷۴ ق

۱۳۸ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره دوم (تابستان ۱۳۸۶)

- مامقانی، عبدالله، تلخیص مقیاس الهدایة، تلخیص و تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد حسن صانعی
پور، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ش
- محدث ارموی، جلال الدین، تعلیقات نقض، تهران، بی تا، ۱۳۳۷ش
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، تبریز، چاپخانه شفق، چاپ دوم، بی تا
- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، بی جا، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق
- معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی تویه القشیب، مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة،
۱۳۸۴ش
- همو، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تهیید، ۱۳۸۰ش
- منتجب الدین رازی، علی بن عبید الله، الفهرست، به کوشش: جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه
آیةالله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ش
- نقیسی، سعید، ملاحظاتی چند در باره تفسیر فارسی ابوالفتوح رازی، مجله مهر، شماره ۷ سال ۴،
۱۳۱۵ش-۱۳۱۶ش
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، مؤسسه اسماعیلیان و مکتبه اسلامیة، ۱۳۸۲ق
- نوری، محمد، مأخذ شناسی ابوالفتوح رازی (مجموعه آثار کنگره بزرگداشت ابوالفتوح رازی)، قم،
مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴ش
- واحدی نیشابوری، علی، اسباب النزول (شأن نزول آیات)، ترجمه: محمد جعفر اسلامی، بی جا، بنیاد
علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش
- یاحقی، محمد جعفر، طبری و ابوالفتوح (یادنامه طبری)، تهران، ۱۳۶۹ش
- یاحقی و ناصح، مقدمه بر روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس
رضوی، ۱۳۷۱ش

Mcdermott, M.J., ۱۹۸۵, AbuAl-FutuhA-Râdî ,Encyclopedia Iranica, London,
Boston and Henley.